



روشناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس رویکرد اسلامی سازی معرفت

باوجود تألیفات فراوانی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی داریم تلاش های پژوهشی اندک درباره بنیان های معرفت شناختی و روش شناختی «پژوهش» در این عرصه به نقطه ضعفی در بیشتر تألیفات حوزه تعلیم و تربیت تبدیل شده است.

باوجود تألیفات فراوانی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی داریم تلاش های پژوهشی اندک درباره بنیان های معرفت شناختی و روش شناختی «پژوهش» در این عرصه به نقطه ضعفی در بیشتر تألیفات حوزه تعلیم و تربیت تبدیل شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، مقاله پژوهشی «روشناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس رویکرد اسلامی سازی معرفت» که در هجدهمین شماره دو فصلنامه «تربیت اسلامی» انتشار یافته، رویکرد «اسلامی سازی معرفت» را به عنوان قدیمی ترین رویکرد در زمینه نظریه پردازی علوم انسانی اسلامی تقریر و نقادی کرده است.

نویسندگان این مقاله، علی لطیفی دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، حجت الاسلام دکتر حمید پارسانیا عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و حجت الاسلام دکتر محمد داودی عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم می باشند.

در چکیده این مقاله آمده است:

«این پژوهش به بررسی رویکرد «اسلامی سازی معرفت» به عنوان قدیمی ترین رویکرد در زمینه نظریه پردازی در دانش تربیت اسلامی می پردازد. بدین منظور در نخستین گام، مقصود از اصطلاحات «اسلامی سازی معرفت»، «تربیت اسلامی» و «روشناسی» بیان گشته و سپس در ادامه، مهم ترین آرای اندیشمندان این رویکرد، با تمرکز بر آرای عبدالرحمان نقیب، تربیت پژوه مسلمان مصری، در دو سطح مبانی و روش شناسی ارائه می شود. در پایان نیز به مهم ترین نقاط قوت و ضعف این رویکرد و میزان توفیق پیروان آن در دستیابی به اهداف خود اشاره شده است.

به نظر می رسد هرچند این رویکرد نقش به سزایی در شکل گیری یک جریان فرهنگی اجتماعی نسبت به «ضرورت بازتولید دانش تربیت اسلامی» و تدارک ادبیات علمی در این زمینه داشته است، اما ضعف در مبانی و عمق نظری این رویکرد، از مهم ترین نقاط کور آن به شمار آمده و امکان نقش آفرینی جدی در فضای علوم تربیتی معاصر را از آن سلب نموده است.

روشناسی پژوهش در تربیت اسلامی، دانش تربیت اسلامی، نظریه پردازی در تربیت اسلامی، اسلامی سازی معرفت و علم دینی واژگان کلیدی این مقاله علمی پژوهشی هستند.

نویسندگان در بخش تعریف مفاهیم اصلی پژوهش تصریح می کنند روشناسی به معنای چهارچوب روش شناختی نظریه های تولید شده می باشد و منظور از تربیت اسلامی در نگاه ایشان، هر گونه دیدگاه و معرفت تولید شده در حوزه مطالعاتی تربیت اسلامی و مسائل وابسته به آن می باشد و معنای فرایندی فعالیت یا فرآورده هایی که نتیجه این فرایندها و فعالیت هاست را شامل نمی شود.

این مقاله در بیان پیشینه رویکرد «اسلامی سازی معرفت» بیان می کند که طرح های نخستین رویکرد اسلامی سازی معرفت در دهه های شصت و هفتاد میلادی توسط سید محمد نقیب العطاس در مالزی، اسماعیل راجی فراوقی فلسطینی مقیم آمریکا و سید حسین نصر ارائه شده است.

سپس نویسندگان به چپستی و قلمرو تربیت اسلامی پرداخته و در بخش بعدی مقاله، مهم ترین مبانی نظری این رویکرد را در مواردی از قبیل الف) احصا منابع معرفت و اعتبار وحی به عنوان برجسته ترین منبع ب) تبیین نسبت میان وحی و فلسفه و علم ج) نگاه پارادایمی به علم و پژوهش علمی عنوان می کند.

در ادامه چهارچوب روش شناختی دانش تربیت اسلامی، بر اساس دیدگاه اندیشمندان این رویکرد در سه محور ترسیم می شود. محور اول، نسبت میان گزاره های وحیانی و یافته های علوم تربیتی جدید است. محور دوم روش های پژوهش در تربیت اسلامی است. طبق نظر نقیب روش پژوهش در تربیت اسلامی تک روشی نبوده و در آن مجموعه ای از روش ها استفاده می شود. از نظر نقیب العطاس روش های پژوهشی مورد استفاده در تربیت اسلامی عبارت اند از:

روش (تحلیل) اصولی، روش تحلیل فلسفی، روش تاریخی، پژوهش تطبیقی، روش تحقیق نسخ خطی، روش پژوهش تربیت جدید (روش های تجربی، آماری، مورد پژوهی و...).

محور سومی که در روشناسی دانش تربیت اسلامی مطرح می شود، اهداف پژوهش است. به عقیده نگارندگان این مقاله، نقیب العطاس با توجه به پرداختن به موضوع اهداف پژوهش در تربیت اسلامی، جایگاه بحث از هدف کسب معرفت در روشناسی را به درستی تبیین نکرده است.

پس از آن لطیفی، پارسانیا و داودی نقاط قوت و ضعف رویکرد «اسلامی سازی معرفت» را بررسی کرده و به نقد آرای نظریه پردازان این رویکرد همت گماشته اند.

تشخیص درست یکی از مهم ترین دلایل رکود و ضعف مسلمانان، دمیده شدن روح امید جهت احیای مجدد تمدن اسلامی، تأثیر پذیری ادبیات علمی تولید شده جهان اسلام در سی سال اخیر از این رویکرد، از جمله مهم ترین نقاط قوت این رویکرد شمرده

شده است.

در مورد نقاط ضعف نیز باید اشاره کرد کم‌مایگی مباحث معرفت‌شناختی توسط سردمداران رویکرد تربیت اسلامی و ضعف مبانی فلسفی و نظری، تفکیک بین علوم دینی و علوم دنیوی و واگذاری علوم دنیوی به بشر، دریافت ساده‌انگارانه از مفهوم پارادایم، رقابت پارادایمیک و کشمکش‌های گفتمانی، نپرداختن به بسیاری از مبانی معرفت‌شناختی (همچون حقیقت علم و معرفت، ملاک صدق و اعتبار معرفت و انواع معرفت و...) و نپرداختن به مسائل بنیادی روش‌شناختی از مهم‌ترین نقاط ضعف این رویکرد عنوان شده است.

این مقاله در انتها به این جمع‌بندی می‌رسد که رویکرد «اسلامی‌سازی معرفت» در سطح ترویجی باقی مانده و هنوز در مرحله پیش‌اروش‌شناختی قرار دارد. در بخش جمع‌بندی این مقاله نوشته شده است.

نویسندگان این اثر تصریح می‌کنند: ابهام و آشفتگی در بیانات و ضعف در مبانی و عمق نظری این رویکرد، از مهم‌ترین نقاط کور آن به شمار می‌آید و امکان نقش‌آفرینی جدی در فضای علوم انسانی معاصر را از آن سلب می‌کند. اگر هدف پیشروان این رویکرد، صرفاً به راه انداختن یک جریان فرهنگی اجتماعی در مجامع علمی مسلمانان باشد، می‌توان ادعا نمود که این جریان به توفیقات قابل توجهی دست یافته است؛ اما اگر مقصود از رویکرد «اسلامی‌سازی معرفت» به معنایی که نزد عطاس، فاروقی، نصر و نقیب، تولید علوم انسانی و علوم تربیتی اسلامی بر مبنای یک رویکرد فکری منسجم، استوار و روشمند باشد، باید گفت حداقل در حال حاضر، به سختی می‌توان از موفقیت این رویکرد سخن گفت و هنوز نمی‌توان آن را رویکردی متکامل یا حتی «پارادایمی علمی» با روش‌شناسی منضبط به شمار آورد.